

## « بررسی توبه در شعر عطار نیشابوری »

دکتر رضا اشرف زاده<sup>۱</sup>

مژگان حاجت پور بیرگانی<sup>۲</sup>

قال الله تعالى: و توبوا الى الله جميعاً ايها المؤمنون لعلكم تفلحون (قرآن، ۲۴/۳۳)

و بازگردید به سوی خدا همگی ای مومنان شاید که رستگار شوید.

### چکیده

توبه به عنوان یکی از موضوعات تربیت اسلامی در قرآن مورد تأکید قرار گرفته است و در نتیجه ی این باور دینی و عقیدتی شعرا و نویسندگان نیز خواه ناخواه به آن پرداخته اند. و در آثار ادبی این تأثیرات به روشنی مشخص می باشد. آثار عرفانی تا قرن ششم تحت تأثیر احادیث و قرآن بوده اما پس از آن بیشتر از فلسفه و عقاید فلسفی بهره گرفته است. توبه در معنای بازگشتن و اولین منزل در مقامات هفت گانه ابو نصر سراج آمده است. همچنین اولین میدان در «صد میدان» خواجه عبدالله انصاری توبه می باشد. عطار در مصیبت نامه توبه را این گونه تعریف می کند:

توبه چیست این جمله را در هم زدن خیمه زین عالم بدان عالم زدن دیدگاه زاهدانه ی عطار در سایه ی اشارات قرآنی و احادیث کاملاً مشهود است. این پژوهش در نظر دارد توبه را در آثار عطار مورد بررسی قرار دهد.

### کلید واژه:

توبه، عرفان، تربیت اسلامی، قرآن

۱ - (استاد راهنما)، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

۲ - دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد (رساله ی دکتری)، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج دانشکده ی زبان و ادبیات

فارسی

نشانی الکترونیکی: zartoshtariya@yahoo.com

## مقدمه

«توبه اولین مقام سیر طالب است و آن عبارت از یک نوع انقلاب حال و تحولی است در طالب و ابتدای حیات تازه ئی است.» (غنی، ۱۳۲۲: ۲۱۷) به هر حال گناه، آن چیزی ست که انسان را از خدا دور سازد و هر چیزی که سبب دوری انسان از حضرت حق گردد نامبارک و شوم است. رنج از گناه، جوانه ی توبه است و توبه ندامت از گناه است. خود را به حق متصل نمودن و اظهار عجز کردن است؛ تکیه دادن به ستونی است که دل را سبک می کند و به آن پرواز می دهد. توبه به لحاظ سلامت روانی گونه ای برون ریزی عاطفی است که به انسان کمک می کند به تعادل روانی برسد و فشارها و اضطراب های عاطفی خویش را کاهش دهد. در اهمیت توبه همان بس که در قرآن سوره ای با همین نام در ۱۲۹ آیه آورده شده است.

توبه کردم تا به روز مردنم نیست کار الا که فرمان بردنم  
(مصیبت نامه، ص ۲۷۰)

عطار توبه را در گرو گذشتن از این دنیا و در نظر گرفتن دنیای دیگر، می داند. پس در بند تعلقات دنیوی بودن را مقدمه ی گناه می شمرد و گذشتن از آن را، مقدمه ی توبه می داند.

«توبه به حقیقت رجوع است... فاما در عرف و شریعت توبه رجوع است از معاصی و ذنوب» (مستملی بخاری؛ ۱۳۷۳: ۱۲۰۹) ذوالنون می گوید: «گفت توبه ی عام، از گناه بازگشتن است و توبه ی خاص از غفلت بازگشتن است و توبه ی انبیاء علیهم الصلوٰه و السلام آن است که عجز خویش ببیند از رسیدن به جایی که غیر ایشان رسیده باشند. اما توبه ی عام از گناه آن باشد که معصیت به جای بگذارد هم به فعل ظاهر هم به نیت باطن.... اما توبه ی خاص از غفلت آن باشد که هر گاه که سر ایشان طرفتی یا لحظتی به غیر حق مشغول گردد هم به آن مقدار از حق سبحانه غافل گردند و از آن

غفلت خویش عذر خواهند و از مقام اعراض به مقام اقبال باز آیند...» (همان: ۱۲۱۵)  
 ”مفاهیم توبه: ابن فارسی می گوید: (توب: التاء و الوا و الباء کلمه واحده، تدل  
 علی الرجوع. يقال تاب من ذنبه ای رجع عنه) (معجم مقائیس اللغه، ج، ۱، ص ۱۸۴)  
 (توب: توب، کلمه ای است، بر بازگشت دلالت می کند گفته می شود توبه کردن  
 از گناه، بازگشت از آن است).

علی اکبر قرشی می گوید: (توب، توبه، متاب، همه به معنی رجوع و برگشتن  
 است.) (قاموس قرآن، ج ۱، ص ۲۸۵).

محمد علی التهانوی، در موسوعه کشف اصلاحات الفنون و العلوم می گوید:  
 (التوبه: بالفتح و سکون الواو، فی اللغه (الرجوع) (ج ۱، ص ۵۲۴) خواجه نصیرالدین  
 طوسی می گوید:» معنی توبه رجوع از گناه باشد. و اول بیاید دانست که گناه چه  
 باشد تا از او رجوع کند، و باید دانند که گردش افعال بندگان بر چند قسم باشد: اول  
 فعلی که بیاید کرد و نشاید که نکند. دویم: فعلی که نباید کرد و نشاید که کند. سیم:  
 فعلی که کردن آن از نا کردن بهتر باشد. چهارم: فعلی که کردن او یکسان بود و گناه نا  
 کردن فعلی بود که از قسم اول باشد و کردن فعلی که از قسم دُیم باشد. و از آن همه  
 عاقلان را توبه واجب باشد. و این جا نه اقوال و افعال جوارح تنها می خواهیم، بل  
 جمیع افکار و اقوال و افعال می خواهیم که تابع قدرت و ارادت هر عاقلی باشد.....  
 و اهل سلوک را التفات به غیر حق تعالی که مقصد ایشان است، گناه باشد ایشان را،  
 و از آن توبه باید کرد. «(نصیرالدین طوسی، اوصاف الاشراف، ص ۷۱-۲)» (سجادی؛  
 ۱۳۷۸: ۲۶۴)

شعر تعلیمی عطار ویژگیهای منحصر به فرد خود را دارد و مانند شعر سنایی  
 سرشار از تکلف نیست بلکه آمیخته به سادگی و روانی است. داستانهایی که در  
 مثنویهای عطار ریشه تاریخی دارند مانند: شیخ صنعان منطق الطیر و سر پاتکِ الهی

نامه، جنبه‌ی تاریخی آن پررنگ نیست و هدف اصلی و قصد شاعر فایده‌های اخلاقی و تربیتی داستان است. عطار در اشعارش به دو شکل مباحث دینی را مطرح می‌کند؛ یکی از زبان پیامبر و بزرگان دینی و دیگری مباحث نظری دینی او است. یکی از آن مباحث نظری دینی، توبه است. از آنجایی که دنیا محض حق است پس هر گناهی بی‌حرمتی و اهانت به خداست و نشانه‌ی کفر است و مستلزم توبه است. استاد وب می‌گوید: «گناه عبارت است از خضوع اراده‌ی انسانی در برابر شهوات فرودین در حالی که راه به اختیار افعالی دیگر گشوده باشد» (نیکلسون، ۱۰۴: ۱۳۸۲)

با توجه به قرآن و احادیث و اقوال بزرگان دینی و جوب توبه امری قطعی و حتمی است و همگی در این مورد متفق القول می‌باشند.

شیخ گاه توبه را به صورت نماد و با معانی کنایی به کار می‌برد مانند: گریستن که کنایه از توبه است:

تو را ره می‌زند وز درد این کار      دو چشمت همچو ابری گشت خونبار  
گر آدم را که در یک دانه نگریست      به سیصد سال می‌بایست بگریست  
بین ابلیس را در لعن و در رشک      ز دیده چند باید ریختن اشک؟  
(الهی نامه، ص ۲۱۲)

به جز این موارد که توبه توسط شیخ به گونه‌ی کنایی و نمادین آورده شده است؛ عطار کاربردها و نگرش‌های خاص دیگری نیز برای توبه در اشعارش در نظر دارد؛ که در این مجال به آن پرداخته خواهد شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

### نگرش عطار در زمینه‌ی توبه

۱. حضرت آدم و حوا اولین تواین هستند زیرا بعد از نافرمانی کردن از حضرت حق توبه کردند. خدا توبه‌ی ایشان پذیرفت اما آنها را از بهشت بیرون کرد. در

آثار عطار هر جا که سخن از آدم و حواست با منبع و اشارات دینی آمده است و داستان آدم و حوا و رانده شدنشان از بهشت در ارتباط تنگاتنگ با داستان ابلیس قرار می گیرد چرا که شیطان قسم خورده است که آدم خلیفه الله را گمراه نماید بنابراین همیشه همراه وی است. «فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (قرآن ۲: ۳۷) پس دریافت آدم از پروردگار خود سخنانی و بازگشت به سوی او و همانا اوست توبه پذیرنده ی مهربان. (رامیار، ۱۳۸۷: ۶) (تمامی ترجمه های قرآنی ازین مترجم می باشد).

حکیم ترمذی کرد این حکایت ز حال آدم و حوا روایت  
 که بعد از توبه چون با هم رسیدند ز فردوس آمده کنجی گزیدند  
 (الهی نامه، ص ۲۱۰)

در داستان بچه ی ابلیس با آدم و حوا در الهی نامه؛ آمده است که وقتی آدم و حوا توبه کردند و از بهشت به زمین آمدند؛ آدم برای کاری بیرون رفت، ابلیس نزد حوا آمد و بچه اش به نام خناس را به حوا سپرد. حضرت آدم وقتی بازگشت و آن بچه را دید از حوا خشمگین شد آن بچه را به صحرا برد و کُشت اما ابلیس آن بچه را بار دیگر با جادو زنده کرد. چند مرتبه ابلیس بچه را به حوا می سپرد و آدم آن را از بین می برد و شیطان نیز دگر باره آن را زنده می کرد تا اینکه آدم بچه را کشت و از آن قلیه ای آماده کرد و با حوا آن قلیه را خوردند بار دیگر ابلیس آمد بچه ی خویش صدازد، این بار بچه از درون سینه ی حوا جواب داد و ابلیس شادمان شد و گفت که به هدف خود رسیدم زیرا می خواستم در درون آدم جای بگیرم تا ازین طریق در سینه ی آدم صد دام و سواس قرار دهم. که در این ابیات از الهی نامه آمده است:

مرا مقصود آن بودست مادام که گیرم در درون آدم آرام  
 چو خود را با درون او فگندم شود فرزند آدم مستمندم

گهی در سینه‌ی مردم ز خناس      نهم صد دام رسوایی ز سواس  
 گهی صد گونه شهوت در درونش      برانگیزم شوم در رگ چو خونش  
 گهی از بهر طاعت خوانمش خاص      و زان طاعت ریا خواهم نه اخلاص  
 هزاران جادویی دارم دگرگون      که مردم را برم از راه بیرون  
 (الهی نامه، ص ۲۱۱)

در این داستان عطار معتقد است که آدم و حوا بعد از توبه نیز دچار تلبیس شیطان گردیده اند و این دیدگاه وی بسیار بدیع و تازه می نماید چرا که دیگر شعرا و نویسندگان به این مطلب اشاره ای ندارند.

در این نمونه محل شیطان را در درون انسان می داند:

چو شیطان در درونت رخت بنهاد      به سلطانی نشست و تخت بنهاد  
 (همان، ص ۱۰۳)

در ادامه شیخ اینگونه بیان میدارد که به هر حال شیطان از ره هر آرزو و املی می تواند در درون انسان رخنه کند هر چند توبه کرده باشد؛ بنابراین انسان باید آگاهی داشته باشد و بداند، همان گونه که شهوت در خون انسان آمیخته است، شیطان نیز در خون او جاری است. پیامبر اکرم ص می فرمایند:

«شیطان مانند خون در رگ و ریشه‌ی آدمی جریان دارد، پس با گرسنگی راه های او را تنگ سازید» (حکیم مولی محسن فیض کاشانی: ۱۳۸۵، ۳۶۹)

و از دیگر سخنان آن حضرت است که فرموده اند: «هیچ کدام از شما نیست مگر آنکه او را شیطانی است.»

(همان، ۳۷۱)

جنگ و مقاومت، با این آمیخته با خون کاری بس مشکل است و در این راه همی دوچندان ضروری است. و شیخ چه زیبا این دو حدیث را در این قسمت آورده است و به آنها اشارت دارد. و صراحتاً پنهان بودن ابلیس در درون انسان را

با اشاره به سوره «ناس» بیان می دارد:

بسم الله الرحمن الرحيم

قل اعوذ برب الناس\*مَلِكِ الناس\*إِلَهِ الناس\*من شرالوسواس الخناس  
\*الذی یوسوس فی صدورالناس\*من الجنة والناس\*

ابلیس از در توبه در نیامد و گفت: تو مرا گمراه کردی و من هیچ تقصیری ندارم و به جبر گرایید و اختیار از خود سلب کرد و خودبینی و سرکشی او موجب دوری و لعنت گردید. (کشف الاسرار، ج ۳، ۵۷۳-۸۰) شیطان در ابتدا نافرمانی می کند و از گناهش توبه نمی کند و این کردار در برابر معشوق نشانه ی بی صدقی است، چراکه صدق در عشق تسلیم محض عاشق است در برابر معشوق.

۲. اگر یاری خدا نباشد توبه ی خالص نیز شکسته می شود. چرا که خداوند بر هر کاری توانا ست و هیچ امری نیست که به اذن او صورت نپذیرد. خدا اگر اراده کند که بنده ای توبه ی خویش بشکند آن عمل انجام می شود تا حکمت الهی بدین واسطه محقق گردد. در ارتباط انسان با خدا در باب توبه و حفظ توبه نیز حق باید یاری کند و گرنه انسان عاجز کجا و تایب باقی ماندن کجا. در قرآن، به توبه ی همراه با اخلاص، اشاراتی دارد چنانکه خداوند می فرماید:

یا ایها الذین امنو توبوا الی الله توبهً نصوحاً عسی ربکم ان یکفر عنکم سیئاتکم.....  
(قرآن ۶۶/۸)

ای مؤمنان! به درگاه خدا توبه نصوح (با اخلاص و دوام) کنید باشد که پروردگار گناهانتان را مستور و محو گرداند!

\*«ثم يتوب الله من بعد ذلك على من يشاء والله غفور رحيم» (قرآن ۹/۲۷)  
سپس توبه می پذیرد خدا پس از آن، از هر که خواهد و خدا آمرزنده ی مهربان است.

\*«و يذهب غيظَ قلوبهم ويتوبُ اللهُ على من يشاءُ اللهُ عليهم حكيمٌ.»  
(قرآن ۹/۱۵)

و بردارد خشم را از دل‌های ایشان و توبه پذیرد خدا از هر که خواهد و خداست دانای حکیم.

عطار نیز این مطالب را به وضوح در شعر خویش می آورد همانگونه که مولانا بر این موضوع نظر دارد که صدها توبه صادقانه می تواند با سنگ تو شکسته گردد.

صد توبه به یک نفس شکستن صد پرده به یک زمان دریدن  
(دیوان عطار، غزل ۶۵۰)

هر گاه که زلف او نهد جرمم صد توبه به یک گناه برگیرد  
(همان، غزل ۲۲۳)

همین ویژگی را نیز مولانا در غزلیات شمس بیان می دارد:

بس توبه ی شایسته، بر سنگ تو بشکسته بس زاهد و بس عابد کاو خرقه درید آمد  
(غزلیات شمس، غزل ۲۱۹)

ای تو به ام شکسته، از تو کجا گریزم ای در دلم نشسته از تو کجا گریزم  
(همان، ۶۳۷)

مولانا نیز معتقد است که توبه از جانب حق قابل سوختن و از بین رفتن است و اگر خدا یاری ندهد توبه خالص نیز شکسته خواهد شد.

در شرابم چیز دیگر ریختی، در ریختی باده تنها نیست این، آمیختی، آمیختی  
بار دیگر توبه ها را سوختی، در سوختی بار دیگر فتنه را انگیختی، انگیختی  
(همان، ۹۷۳)



۳. توبه ی واقعی مقدمه ی ایمان است. توبه اگر واقعی و حقیقی باشد پذیرفته است و بعد از آن باید تائب همیشه تائب بماند چرا که توبه هر چند محکم باشد با انجام گناه ازین می رود. در این آیه بلافاصله بعد از توبه لفظ ایمان را آورده است. یعنی توبه مقدمه ی ایمان معرفی شده است. برای توبه مراحل می باشد: ابتدا توبه کننده از زینتی که از راه گناه متوجه وی شده آگاه می گردد دوم: از گناه خویش نادم و پشیمان می شود وسوم: قصد ترک گناه می کند. بنابراین پشت سر نهادن این مراحل خود آغاز ایمان است.

در حکایت مرد توبه شکن در منطق الطیرص ۳۱۳، عطار مسیر توبه را مشخص کرده است، در ابتدا فرد گناهکار متوجه زیان و ضرر گناه گردیده است:

کرده بود آن مرد بسیاری گناه      توبه کرد از شرم و بازآمد به راه  
 در مرحله ی دوم درد خجالت و شرم وندامت از گناه درد او پدید آمده است:  
 بعد از آن دردی درآمد دردش      وز خجالت کار شد بس مشککش  
 در مرحله ی سوم که توبه و قصد ترک گناه است مرد زهره ی توبه ندارد و می هراسد که مبادا باری تعالی به دلیل توبه شکنی بیایند، او را از رحمت واسعه خویش محروم سازد و روزگار در ناله و زاری می گذرانند که این آه و ناله، خود دلیل دیدن آن نیروی قوی تر و آفریننده ی هستی است. بنابراین گریه و زاری در روند توبه پاک کردن روح و قرب به رحمت خداوندی است.

چون به جز بی حاصلی بهره نداشت      خواست تا توبه کند زهره نداشت  
 روز و شب چون قلیه ای بر تابه ای      دل پر آتش داشت در خونابه ای  
 گر غباری در رهش پیوست بود      ز آب چشم او همه بنشست بود  
 (منطق الطیر، ص ۳۱۳)

حضرت مولانا نیز پذیرش توبه را با صدق در توبه و ناله و انابت از درگاه خدا

محقق می داند.

راستی پیش آر یا خاموش کن و آن گهان رحمت بین و نوش کن  
(مثنوی، ۳/۷۵۱)

حضرت علی (ع) می فرماید: «التوبةُ علی اربعة دعائم: ندم بالقلب، و استغفار باللسان، و عمل به جوارح و عزم لایعود» (نمازی، شاهرودی؛ ۱۳۷۶ ج ۱: ۴۹۲)  
(توبه بر چهار رکن استوار است: پشیمانی قلبی، استغفار به زبان، عمل به جوارح، عزم در بازگشت نکردن به گناه.)

«والذین عملوا السيئاتِ ثم تابوا من بعدها وءامنوا إنَّ ربَّكَ من بعدها لَغفورٌ رحيمٌ»  
(قرآن ۷: ۱۵۳)

و آنان که بدیها کرده اند سپس توبه کردند و ایمان آورده اند مسلماً پروردگار تو پس از آن، آمرزنده ی مهربان است.

شیخ در این جا آغاز ایمان را با پشیمانی از گناه و توبه می داند.

ایمان به توبه و به ندم تازه کرده اند وین تازه را لباس ز تقوی نهاده اند  
(دیوان عطار، غزل ۲۸۷)

کفر برخاست از ره و ایمان نشست بُت پرست روم شد یزدان پرست  
(منطق الطیر، ص ۳۰۰)

۴. توبه را در زمانش باید انجام داد و امروز و فردا کردن در توبه و پشیمانی از کردار زشت، جایز نیست. زمانی توبه معنا می یابد که توانی در انجام گناه است نه زمانی که انسان قادر به گناه نباشد.

«إنَّما التوبةُ علی الله للذین یعملون السوء بجهله ثم یتوبون من قریب فأولئك یتوب الله علیهم و كان الله علیما حکیماً» و لیست التوبه للذین یعملون السيئات حتی احضر أحد هم الموت قال إنی تبت الثن ولا الذین یموتون و هم کفار اولئک أعتدنا لهم عذاباً ألیماً» (قرآن ۴/۱۷ و ۱۸)



اما این کاملاً با آیه ی فوق در تضاد است و عطار سعی دارد توبه ی درست و حقیقی را در قالب حکایات بازگو کند تا مخاطب خویش را از چگونگی حقیقت توبه ی حقیقی آگاه نماید.

از خطای نفس خود تا چند بینی اضطراب  
رو درین وادی چو اشتر باش و بگذر از خطا

(قصیده ۷، ص ۷۷)

۵. توبه چون آتش است که گناهان را می سوزاند و اگر انسان صد گونه گناه داشته باشد تمامی آن ها را از بین می برد. در احادیث آمده است که توبه کننده مانند کسی است که گناهی نکرده است: التائب من الذنب کمن لا ذنب له (غزالی، ۱۳۵۷: ۴۳) «انس بن مالک گوید از پیغمبر صلی الله علیه واله و سلم شنیدم که گفت: تائب از گناه همچنان بود کی گناهی نکردست» (قشیری: ۱۳۶، ۱۳۴۰)

آن غبار اکنون زره برخاسته ست      توبه بنشسته گنه برخاسته ست  
تو یقین می دان که صد عالم گناه      از تف یک توبه برخیزد ز راه  
(منطق الطیر، ص ۲۹۹)

آتش توبه چو بر افروزد او      هر چه یابد جمله برهم سوزد او  
(همان، ص ۳۰۰)

۶. خدا توبه کنندگان را دوست دارد و همواره بندگان را به توبه و بازگشت از گناهان فرا می خواند و خدا توبه پذیر است. حال این سؤال مطرح می شود که آیا قبول توبه بر خداوند متعال واجب است؟ یا این که قبول توبه، تفضل و کرمی از جانب خداوند است که شامل حال بنده ی گناهکار شده است.

«معتزله معتقدند که قبول توبه بر خداوند واجب است. و اشاعره معتقدند که خداوند

توبه ی بندگان را از روی تفضل و کرم می پذیرد.» (شیخ بهایی، اربعین، ص ۳۲۸)

در بیت زیر عطار به این مطلب اشاره می کند (در احادیث آمده) که خداوند هر

شب از آسمان فرود می آید و از بندگانش می پرسد چه کسی می خواهد اجابت شود  
 «ینزل ربنا الی السماء الدنیا حین یبقی ثلث اللیل الآخر» یا «ینزل الله فی کل لیلۃ الی  
 السماء الدنیا» (فرهنگ مآثورات، ص ۶۱۷)

گر نبودی مرد تائب را قبول کی بدی هر شب برای او نزول  
 و در ادامه می گوید اگر گناهی مرتکب شدی بازگرد.

گر گنه کردی در توبه ست باز توبه کن کین در نخواهد شد فراز  
 گر به صدق آبی درین ره تو دمی صد فتوح پیش باز آید همی

(منطق الطیر، ص ۳۱۳)

در ابیات دیگر عطار بزرگی و فضل حق تعالی را در بخشش بنده بیان می کند:

حق تعالی گفت هست او دل سیاه می نداند، زان غلط کرده ست راه  
 گر ز غفلت ره غلط کرد آن سقط من چو می دانم نکردم ره غلط  
 هم کنون راهش دهم تا پیشگاه لطف ما خواهد شد او را عذر خواه

(همان: ۳۱۴)

بشارت پذیرش توبه در جای جای قرآن به چشم می خورد:

\* «إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.» (قرآن ۹/۱۱۸) همانا خدا توبه پذیرنده ی  
 مهربان است.

\* «وَأَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ.» (قرآن ۱۱/۹۰) و استغفار کنید  
 از پروردگار خویش سپس توبه کنید به سوی او همانا پروردگار من مهربانی دوست  
 دارنده است.

\* «وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ يَرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً الٰی  
 قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ.» (قرآن ۱۱/۵۴) و ای قوم من آمرزش جوید از پروردگار  
 خود سپس بازگشت کنید به سوی او تا فرستد آسمان را بر شما پی در پی و بیفزاید  
 شما را نیرویی بر نیرویتان و پشت نکنید به گنهکاران.

در اینجا عطار توجه ویژه اسلام را به توبه کنندگان بیان می‌دارد چرا که در آیات قرآن این عنایت ویژه نسبت به توبه کنندگان مشهود است. *إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ* (قرآن ۲/۲۲۲)

یکی حبشی بر پیغامبر آمد که توبت می‌کنم و قتش در آمد  
اگر عفو است و گر توبت قبول است مرا بر پشتمی چون تو رسول است  
پیمبر گفت: چون تو توبه کردی یقین می‌دان که آمرزیده گردی  
(الهی نامه، ص ۲۵۱)

و در این نمونه:

تو را گر در عمل پیرایه ای نیست به جز بیچارگی سرمایه ای نیست  
تو در بیچارگی اول قدم نه وزان پس سر سوی خوان کرم نه  
چو آن خوان کرم را برکشیدند گنه کاران عاصی در رسیدند...  
اگر توبی گناهی یا گنه کار به خوان بنشین که سلطان می‌دهد بار  
(اسرارنامه، ص ۱۴۲)

در این جا نیز همان عنایت الهی را در کرم و بخشش توبه کنندگان، گناهکاران و بی گناهان آورده است؛ اذعان می‌دارد که خداوند خوان کرم و بخشش خود را یکسان گسترده است و در این مهمانی بخشش و کرم گناهکار و بی گناه یکی است و هر دو یکسان ازین خوان الهی بهره دارند. همانند خورشید تابان که بر همه یکسان می‌تابد حال اگر کسی خود را از نور آن بپوشاند و مانع نور شود خورشید و یا نور افشانی خورشید زیر سؤال نمی‌رود.

«نزد علمای شیعه، اجماع بر این است که پس از توبه، عذاب بر داشته می‌شود. برداشتن عذاب از باب تفضل است نه این که بر خدا واجب باشد.» (حسنی؛ ۱۳۷۷: ۱۴۴) و هم چنین در سوره نساء آیه ۱۱۰ خداوند می‌فرماید: *وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا*. هر که عمل زشتی از او سرزند یا به



و هوشیار نیست چه می داند که درست و غلط کدام است که از آن توبه تواند. شیخ خود را اهل سکر و عشق می داند. در مقام عشق الهی قطبیتی باقی نمی ماند؛ عاشق حلاج وار انا الحق می زند؛ تمامی حق است و سخن از خویش و هر آنچه خویشتن را با یاد آورد فراق از حق و معشوق است، پس توبه از توبه کردن را اصطلاح قرار می دهند تا این گونه فنای فی الله را به وضوح بیان کنند.

اگر گم بودنِ خود یَـاد داری      روا باشد که از وی یَـاد آری  
ولی تا از خودی سَدّیت پیش است      اگر یادش کنی آن یاد خویش است  
(الهی نامه، ص ۲۰۷)

از توبه و زهد توبه ها کرد      مؤمن شد و کافری برآورد  
(دیوان عطار، غزل ۲۱۷)

چند ازین نام و ننگ و زهد و زترویر      توبه کن از توبه دل بتاب در افکن  
(دیوان عطار، غزل ۶۵۶)

توبه بشکن تا درست آیی زکار      چند گویی توبه ای دارم نصوح  
(دیوان عطار، غزل ۱۴۷)

پرده ی پندار می باید درید      توبه ی زهاد م باید شکست  
(دیوان عطار، غزل ۵۲)

از توبه و زهد توبه ها کرد      صافی شد و دلبری برآورد  
(دیوان عطار، غزل ۲۱۷)

گفت رخم بین که گراز عشق من      توبه کنی توبه بتر از گناه  
(غزل ۷۰۵، ص ۵۴۷)

ابو نصر سراج اولین مقام را مقام توبه آورده است توبه کردن و تائب شدن نشانه ی هوشیاری است پس از نشانه های صحو می باشد وی می فرماید: «درباره ی توبه مریدان و طالبان و نو سالکان که گاهی توبه به سودشان و گاهی به زیانشان است... تایان چند





خشم الهی است اما اندیشه‌ی، صوفیانه امید به رحمت او. در شعر عطار جز مطلب سکر و عدم تناسبش با توبه که صوفیانه است در باقی موارد دیدگاهی کاملاً زاهدانه دارد و اثبات این مدعا آیات و روایاتی است که بر اساس آن موضوعات دینی را بیان نموده است. اصولاً طرح موضوعات دینی همانند تمامی قوانین دیگر از موضوعات خشک و خشن است و گوینده‌ی آن باید تبصری خاص در بیان آن‌ها داشته باشد تا شنونده را به آن قوانین و شنیدن آن‌ها مشتاق نماید. عطار در راستای این رسالت خطیر نه تنها از زبان ساده و گفتاری همه فهم سود جسته آن را به شیرینی حکایات آمیخته و با آیات و روایات مزین نموده است.

اما دیدگاه زاهدانه‌ی عطار نیز با دیگران متفاوت است وی خشم خدا را به تصویر نمی کشد وی رحمت حق را بیان می کند و انسان گنه کار را به سوی او و رحمتش راهنمایی می کند (الهی نامه، ۲۷۴) وی در این دیدگاه نیز نوآور است او دائماً انسان را از نفس خویش می هراساند و به رحمت و توبه پذیر بودن خداوند تأکید دارد (منطق الطیر، ص ۲۹۹). او نیز معتقد است «از ماست که بر ماست» و خداوند جز خیر و نیکی نیست و جز خیر و نیکی برای بنده نمی خواهد. و خورشید کرمش بر گناهکار و بی گناه یکسان می تابد. او می گوید: اگر انسان گناهی کند و بعد توبه کند هر چند توبه اش پذیرفته می شود اما خسران و زیانی که از بابت آن گناه بر او وارد آمده از بین نمی رود. پس بهتر است که انسان برای حفظ سلامت روانی خویش مرتکب گناه نشود. (اسرارنامه، ص ۱۴۲)

می بینیم که عطار بر وجوب توبه معتقد است اما بیش از آن بر وجوب پرهیز از گناه اعتقاد دارد. او روانشناسانه در پی پیشگیری است و معتقد است سلامت روانی باید حفظ شود. اما اگر انسان به هر دلیلی گناهی مرتکب شود واجب است که توبه کند و خداوند توبه پذیر است. عطار، در حکایت مرد توبه شکن در منطق الطیر این مطلب را به خوبی بیان می کند.

گفت می گوید خداوند جهان      چون دراول توبه کردی ای فلان  
 عفو کردم توبه پذیرفت      می توانستم ولی نگرفتمت  
 باردیگر چون شکستی توبه پاک      دادمت مهل و نگشتم خشمناک  
 (منطق الطیر، ص ۳۱۳)

این شواهد نشان می دهد که عطار در این موضوع دینی و تربیتی اسلامی (توبه) با دیدگاهی زاهدانه و نوآور چونان مبلّغی زیرک با طرح درست و موشکافانه ی مطلب با کمک روایات و حکایات و در سایه ی قرآن و احادیث مخاطب را تحت تأثیر قرار می دهد و به فکر وا می دارد. و در نهایت خدا به بنده می فرماید که: (...ان الله یحبّ التّوّابین و یحبّ المتطهرین) (قرآن ۲/۲۲۲)

و:

بازای آخر که در بگشاده ایم      تو غرامت کرده ما استاده ایم  
 (همان)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی

### منابع

۱. بخاری، خواجه امام ابو ابراهیم اسماعیل، (۱۳۶۳) شرح التعرف لمذهب التصوف، محمد روشن، تهران، انتشارات اساطیر.
۲. بهاء الدین (شیخ بهایی)، محمدبن حسین عاملی، اربعین، چاپ سنگی، کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری
۳. حسنی، علیرضا، (۱۳۷۷) توبه در قرآن و سنت، رایزن، تهران، چاپ اول.
۴. زمانی، کریم، شرح جامع مثنوی معنوی، انتشارات اطلاعات، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۹
۵. سراج طوسی، ابونصر (۱۳۸۲) اللمع فی التصوف، مهدی محبتی، تهران، اساطیر، چاپ اول
۶. صدری نیا، باقر (۱۳۸۸) فرهنگ مأثورات متون عرفانی، تهران، سخن، چاپ اول.
۷. عطار نیشابوری، فریدالدین (۱۳۸۶) اسرارنامه، تهران، سخن، چاپ دوم.
۸. -----، (۱۳۸۳)، تذکره الاولیا، رینولد نیکلسون، تهران، میلاد، چاپ اول
۹. -----، (۱۳۸۶) دیوان عطار، تهران، نگاه، چاپ ششم.
۱۰. -----، (۱۳۸۶) مصیبت نامه، تهران، سخن، چاپ دوم.
۱۱. -----، (۱۳۸۷) الهی نامه، تهران، سخن، چاپ سوم.
۱۲. -----، (۱۳۸۷) منطق الطیر، تهران، سخن، چاپ پنجم.
۱۳. غزالی، ابو حامد محمد، (۱۳۵۷)، احیاء علوم دین ج ۷ ق ۱۰، به کوشش حسین خدیو جم، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، چاپ اول.
۱۴. غنی، قاسم، (۱۳۲۲) تاریخ تصوف اسلام، تهران، زوار، چاپ اول
۱۵. فروزانفر، بدیع الزمان، (۱۳۳۹) شرح احوال و آثار عطار نیشابوری، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۳۹-۴۰.

۱۶. فیض کاشانی، مولا محسن، (۱۳۸۵)، علم الیقین، حسین استاد ولی، تهران، حکمت، چاپ دوم.
۱۷. قشیری، ابولقاسم، (۱۳۴۰) ترجمه رساله قشیری، بدیع الزمان فروزان فر، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.
۱۸. کاظم معزی، محمد، رامیار، محمود، (۱۳۸۷)، قرآن کریم، تهران، صابرین، چاپ دوم.
۱۹. مولوی، جلال الدین محمد، (۱۳۸۷) غزلیات شمس، محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، سخن، چاپ سوم.
۲۰. نمازی شاهرودی، علی، (۱۳۷۶) مستدرک سفینه البحار، موسسه النشر اسلامی، قم.
۲۱. نیکلسون، رینولد، (۱۳۸۲)، رابطه انسان و خدا نیکلسون، محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، سخن، چاپ سوم



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی